

# تبیین مبادلات تجاری و مالی ایران با آمریکا در دوره قاجاریه (با تکیه بر اسناد منتشر نشده در ایران)

\* تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۱۲/۵

\* تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۱/۲۷

نوع مقاله: پژوهشی

فرشته جهانی<sup>۱</sup>

۱. دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

## چکیده

ایالات متحده آمریکا در آستانه سده بیستم میلادی پیشرفته‌ترین تجارت جهان را در اختیار داشت. این موضوع از نگاه تیزبین روشنفکران و متحدان ایرانی دوره قاجار دور نماند و آنها با وسواسی مثال‌زدنی چگونگی روند شکوفایی اقتصاد این کشور نویافته را دنبال کردند. پژوهش حاضر تلاش دارد در پرتو اسناد منتشر نشده آرشیوی در ایران به این پرسش‌ها پاسخ دهد: روشنفکران و ترقی‌خواهان چگونه به معرفی اقتصاد و وضعیت مالی آمریکا پرداختند؟ این شناخت‌ها چه نتایجی برای ایران به دنبال داشت؟ و جنگ جهانی اول تا چه اندازه در افزایش یا کاهش مبادلات تجاری و مالی ایران و آمریکا نقش داشت؟ یافته‌های این مطالعه که مبتنی بر روش توصیفی تحلیلی است، نشان می‌دهد روشنفکران برای نشان دادن اهمیت تجارت آمریکا در گام نخست با نگاهی انتقادی به مقایسه بهره‌برداری از منابع زیرزمینی در آمریکا و ایران پرداختند و از این طریق اهمیت و ضرورت گسترش مناسبات تجاری با این کشور را به مقامات دولت ایران گوشزد کردند. در ادامه آنها در گزارش‌های خود وضعیت مطلوب تجارت آمریکا را در دوران جنگ جهانی اول و سال‌های پس از جنگ در مقایسه با سایر کشورهای جهان به نمایش گذاشتند. این آگاهی‌ها سبب شد مناسبات تجاری ایران با آمریکا رشد چشمگیری پیدا کند. علاوه بر این، نخبگان سیاسی ایران در واشنگتن وضعیت مالی و بودجه آمریکا را بررسی کردند و با ارسال گزارش‌ها و کتابچه‌های گوناگون دلایل موفقیت و ترقی اداره مالی و وضعیت مطلوب بودجه این کشور را بازتاب دادند. این امر منجر به تبادل اطلاعات مالی ایران با آمریکا و استخدام مستشار از این کشور شد. واژگان کلیدی: آمریکا، عصر قاجار، تجارت، مالی، جنگ جهانی اول، مناسبات اقتصادی.

## Elucidation of Commercial and Financial Exchanges between Iran and America during the Qajar Period (Based on Unpublished Documents in Iran)

Fereshte jahani<sup>2</sup>

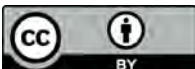
2. PhD in History of Iran after Islam: Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Payam Noor University, Tehran, Iran.

### Abstract

At the beginning of the 20th century, the United States of America had the most advanced economy in the world. This fact did not escape from the sharp eyes of the Iranian intellectuals and modernists of the Qajar period, and they observed meticulously how the economy of this new country prospered. The present research seeks to answer these questions by using unpublished Iranian archival documents: How did the intellectuals and progressivists present the American economy and finance? What results did these findings have for Iran? Moreover, to what extent did the First World War play a role in increasing or decreasing commercial and financial exchanges between Iran and the United States? The findings of this study, which is based on the analytical-descriptive method, show that the intellectuals, to demonstrate the importance of American trade, in the first place compared the exploitation of mineral resources in America and Iran with a critical view. Secondly, in this way, they reminded the statemen of the importance and necessity of expanding trade relations with this country. Furthermore, in their reports, they showed the desirable state of American trade during the First World War and the years after the war in comparison to the other countries, which led to a substantial increment in trade relations between Iran and the United States. In addition, the Iranian political elites in Washington examined the state of finance and budget in the United States and by sending various reports and booklets, they demonstrated the reasons for the success and progress of the finance and the desirable state of the budget in this country. This led to the exchange of financial information between Iran and the United States, and the employment of American advisors.

Keywords: United States, Qajar Era, Trade, Finance, World War I, Economic Relations.

- Corresponding Author Email Address: fereshtejahani65@gmail.com.  
<https://doi.org/10.48308/irhj.2023.103224>  
<http://dori.net/dor/20.1001.1.20087357.1402.16.1.8.4>



## مقدمه

با تأمل در اقتصاد دوره قاجاریه می‌توان دریافت که ایران در این دوره وضعیت مطلوبی نداشت و با قرض‌های فراوان روبه‌رو بود. بودجه کشور با دریافت وام از انگلیس و روسیه تأمین می‌شد و چنانکه نویسنده کتاب ایران ناصری و ناکامی در توسعه صنعتی به‌درستی اشاره می‌کند، با روی کار آمدن قاجار «حکام ایالتی و ولایتی قاجار با غارت و چپاول اموال، امنیت اقتصادی را ساقط کردند و به انحطاط اقتصادی کشور سرعت بخشیدند.»<sup>۱</sup> بنابراین، ایرانیان زمانی با پیشرفت‌های امریکا در عرصه‌های گوناگون به‌ویژه فناوری، صنعت و به‌طور کلی اقتصاد مواجه شدند که اقتصاد سنتی آنها روز به روز ضعیف‌تر می‌شد و می‌توان گفت وحدت اقتصادی خود را از دست داده بودند. در این میان امریکا (به‌ویژه بعد از جنگ جهانی اول) با برتری یافتن از سایر کشورها در صحنه اقتصاد و سیاست بین‌الملل نگاه‌ها را به سمت خود چرخانده بود.

باید اذعان داشت جنگ جهانی اول برگ برنده‌ای برای امریکا بود، چرا که بعد از این جنگ از سیاست مونروئه (انزواگرایی) خارج شد و به صحنه سیاست‌های بین‌المللی پا گذاشت. همچنین در این دوره اقتصاد کشورهای اروپایی به دلیل جنگ جهانی اول به شدت آسیب دیده و نرخ تورم در این کشورها چند برابر شده بود. در نتیجه قدرت خرید مردم کاهش یافته و با افزایش تعرفه‌های گمرکی بسیاری از واردات و صادرات ممنوع گردیده بود. این در حالی بود که نتایج نامطلوب جنگ برای امریکا بسیار کمتر بود و در سال‌های پس از جنگ بازار امریکا به‌سرعت جایگزین بازارهای اروپا و روسیه شد.<sup>۲</sup> بنابراین، قدرت اقتصادی امریکا از یک طرف و ناامیدی ایرانیان از مناسبات تجاری و اقتصادی با روسیه و انگلیس از طرف دیگر نخبگان سیاسی و متجددین را برای خروج از بحران اقتصادی متوجه این کشور کرد. ناگفته نماند امریکا در این دوره علاوه بر قدرت اقتصادی، دارای امتیازات دیگری نیز بود، از جمله دوری از ایران و نداشتن مطامع استعماری. بدین ترتیب، بسیاری از سیاستمداران راه‌رهای ایران از چنگال استعماری روس و انگلیس را نزدیک شدن به امریکا به‌عنوان یک نیروی سوم می‌دانستند.<sup>۳</sup>

بررسی‌ها و شواهد نشان می‌دهد تاکنون پژوهشی مستقل در باب مناسبات تجاری و مالی ایران و امریکا در دوره قاجار انجام نشده است. البته تحقیقات متعددی در خصوص ساختار مالی، دستگاه اداری، بودجه، صنعت و منابع درآمد حکومت قاجار صورت گرفته، اما در هیچ کدام به موضوع مقاله حاضر اشاره‌ای

۱. قباد منصوربخت، *ایران ناصری و ناکامی در توسعه صنعتی* (تهران: انتشارات نگارستان اندیشه، ۱۳۹۸)، ص ۲۹۹.

۲. شهرام غلامی، «تأثیر مسائل بین‌المللی بر نوسانات تولید و تجارت قالی ایران از جنگ جهانی یکم (۱۹۱۴) تا بحران اقتصادی ۱۹۳۰»، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، س ۱۰، ش ۲ (پاییز و زمستان ۱۴۰۰)، ص ۱۴۸.

۳. فرشته جهانی، علیرضا ملایی توانی، «آگاهی ایرانیان از اقتصاد کشاورزی امریکا و الگوبرداری از آن»، *تاریخ ایران*، س ۱۴، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۴۰۰)، ص ۱۱۲.

نشده است. به هر روی، وجه نوآوری و هدف پژوهش حاضر این است که برای نخستین بار با تکیه بر مطبوعات و اسناد منتشر نشده مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران و دیگر منابع معتبر به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد: روشنفکران و ترقی خواهان چگونه به معرفی اقتصاد و وضعیت مالیه امریکا پرداختند؟ این شناخت‌ها چه نتایجی برای ایران به دنبال داشت؟ و جنگ جهانی اول تا چه اندازه در افزایش یا کاهش تبادلات تجاری و مالی ایران و امریکا نقش داشت؟

### گام نخست: ارزیابی پتانسیل منابع زیرزمینی در شکوفایی اقتصاد امریکا

تلاش روشنفکران برای آشنایی آحاد جامعه با قدرت اقتصادی امریکا و بررسی دلایل ترقی این کشور در عرصه اقتصاد گامی مهم در مناسبات تجاری ایران با امریکا در دوره قاجار به شمار می‌آید. آنان در نوشته‌های خود وجود منابع زیرزمینی و مدیریت کارآمد در بهره‌برداری از آنها را دلیل شکوفایی اقتصاد امریکا برمی‌شمردند. در واقع می‌توان گفت تنوع منابع معدنی در امریکا و ایران باعث شده بود متجددین به این مقوله توجه کنند.

یکی از نخستین اشارت‌ها به منابع غنی امریکا را در متون جغرافیایی ترجمه شده مانند *کشف القناع* می‌بینیم. در این کتاب که یکی از نخستین و قدیمی‌ترین منابع دوران قاجاریه به شمار می‌رود، آمده است: «در امریکا معادن بی‌شماری از نمک تا طلا وجود دارد و از این نظر سرزمینی بسیار غنی شناخته می‌شد. طلا، نقره، مس، آهن و انتیمون، کبریت، نمک طعام، نمک بارود و قلع و سنگ مغناطیس، انواع رخام و از سنگ‌های نفیس الماس، زمرد و لؤلؤ از معادن پراهمیت آن کشور هستند.»<sup>۱</sup> این معادن در سراسر امریکا به صورت پراکنده وجود داشتند.<sup>۲</sup> علاوه بر اینها، در این کشور جواهرات الماس و مروارید، زمرد، لعل، زبرجد و سایر جواهرات دیگر نیز زیاد بود، به گونه‌ای که از وقتی جواهرات مزبور به اروپا وارد شد، قیمت آنها کاهش یافت.<sup>۳</sup>

ذکر این نکته ضروری است که جدای از آنکه امریکا کشوری وسیع با معادن فراوان بود، کشف دیرنگام این منابع و به تبع آن بهره‌برداری دیرنگام از آنها باعث شده بود این کشور در عرصه معادن بیش از هر کشور دیگری توانمند و مستعد باشد. اما از میان انواع معادن، طلا و نقره مهم‌ترین منابع امریکا بود که نقش مهمی در شکوفایی اقتصاد آن داشت.

نخستین بار در سال ۱۸۴۸م / ۱۲۶۴ق معادن طلا در کالیفرنیا کشف شد. فراوانی طلای این معادن

۱. کرنیلوس فن‌دیک، *کشف القناع عن احوال الاقالیم و البقاع فی الترجمة مرآة الوضیة فی الکرة الارضیة*، ترجمه فخرالدین بن ابی القاسم الکلپایگانی (بمبئی: بی‌نا، چاپ سنگی، ۱۲۳۱ق)، ص ۱۹۶.

۲. موسی زان داود، *نسخه خطی تاریخ جهان‌نما و جغرافی*، ترجمه محمدحسین حسینی فراهانی (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا)، ص ۴۵۶.

۳. میرزا صالح شیرازی، *سفرنامه میرزا صالح شیرازی* (تهران: رورن، ۱۳۴۷)، ص ۲۶۰.

جدید به حدی بود که احدی تا آن زمان چنین چیزی نشنیده و ندیده بود.<sup>۱</sup> همچنین حجم طلای امریکا چنان زیاد بود که ادعا می‌شد خانه‌هایشان را هم با طلا اندود کرده‌اند.<sup>۲</sup> لازم به ذکر است اخبار مربوط به استخراج این فلز گرانبها در امریکا به تفصیل در مطبوعات دوره قاجار بازتاب می‌یافت و روزنامه وقایع اتفاقیه، به‌عنوان یکی از نخستین روزنامه‌های ایران، به‌دقت این اخبار را رصد و پی‌گیری می‌کرد و جزئیات مهمی را در مورد معادن طلای امریکا، تأثیر آنها بر قیمت طلای جهانی، نقش این معادن در جذب مهاجر و تأثیر آنها بر توسعه شهرهای امریکا در اختیار خوانندگان ایرانی می‌گذاشت. برای نمونه این روزنامه کشف طلا در امریکا و بازتاب جهانی آن را یکی از دلایل مهاجرت مردم سراسر دنیا به این کشور می‌دانست.<sup>۳</sup> به گونه‌ای که تنها از ممالک انگلیس، آلمان و روسیه طی مدت ۱۲ سال، سه میلیون و چهارصد هزار نفر به ینگه دنیا رفته‌اند.<sup>۴</sup> بدین ترتیب، بسیاری از مناطق امریکا، مانند فرانسیسکو، که در ابتدا فاقد هر نوع تجارت و پیشرفت بودند به دنبال کشف طلا تجارتی پررونق به دست آوردند،<sup>۵</sup> تا جایی که مردم این شهر از نظر اقتصادی و وضعیت رفاهی با دیگر شهرها متفاوت شدند.<sup>۶</sup> و این گونه امریکا با دارا بودن طلا و نقره بی‌شمار غنی‌ترین مملکت روی زمین شناخته شد.<sup>۷</sup> در واقع ایرانیان در این دوره به‌خوبی می‌دانستند وجود ذخایر معدنی مانند طلا و نقره و مدیریت کارآمد سهم قابل توجهی در کاهش فقر و به‌طور کلی شکوفایی اقتصاد امریکا ایفا کرده است.

### گام دوم: نگاه انتقادی به وضعیت منابع زیرزمینی ایران و لزوم الگوبرداری از امریکا

به دنبال گزارش‌های نشریات درخصوص فراوانی طلای امریکا، روشنفکران و متجددین به پیامدهای این فراوانی و تأثیر آن بر ارزش پولی ایران پرداختند و این موضوع را تحلیل کردند. در واقع طلا و نقره فراوانی که از این کشور وارد دیگر ممالک می‌شد باعث کاهش قیمت آنها شده بود. برای نمونه نقره فراوان امریکا موجب کاهش قیمت نقره ایران و بی‌ارزش شدن پول ایران شده بود. روزنامه تربیت در سال ۱۳۲۳ ق در این باره نوشته است: «معادن نقره امریکا چنان زیاد است که موجب تنزل پول ما شده و پول ایران در برابر پول خارجه حکم پول سیاه پیدا کرده است.»<sup>۸</sup> عبدالله مستوفی نیز درباره تأثیر

۱. علمی، ش ۲۸ (۱۳۴۸ ق)، ص ۲.

۲. دولت علیه ایران، ش ۵۵۳ (۱۳۸۰ ق)، ص ۶۴۹.

۳. وقایع اتفاقیه، ش ۳۱۰ (۱۳۷۳ ق)، ص ۲۰۲۸. درخصوص فلز طلا و نقره گفته می‌شد که در هیچ جای دنیا به اندازه امریکا فلز نقره وجود ندارد. در این باب بنگرید به: ابن‌المرحوم الفاضل التحریز علی محمد عبدالغفار، اصول علم جغرافیای طبیعی و سیاسی (طهران: بی‌نا، ۱۳۹۸ ق)، ص ۱۴۰-۱۴۲.

۴. وقایع اتفاقیه، ش ۱۹۴ (۱۳۷۳ ق)، ص ۱۸۹۹.

۵. همان، ش ۱۴۴ (۱۳۷۰ ق)، ص ۹۰۳.

۶. حاج میرزا محمدعلی معین‌السلطنه، سفرنامه شیکاگو، به کوشش همایون شهیدی (تهران: علمی، ۱۳۶۳)، ص ۴۴۲.

۷. اطلاع، ش ۴ (۱۳۲۰ ق)، ص ۵۷۲.

۸. تربیت، ش ۳۶۳ (۱۳۲۳ ق)، ص ۱۸۱۸-۱۸۲۰.

معادن نقره و طلاى امریکا بر پول ایران شرح قابل تأملی نوشته است: «از وقتی که معادن نقره جدید در امریکا پیدا شده این فلز را از قیمت سابق خود انداخته است.» او در ادامه می‌گوید تا سال ۱۳۰۰ ق پول ایران تمام این محسنات را داشت، یعنی اگرچه دو فلز طلا و نقره هر دو در کشور رایج بود اما تعادل بین پول‌های طلا با پول‌های نقره حفظ می‌شد. تا اینکه درست در این زمان (۱۳۰۰ ق) معادن نقره امریکا کشف و استخراج شد، در نتیجه تعادل پول نقره با طلا برهم خورد و روزبه‌روز قیمت پول نقره در مقابل پول طلاى داخلی و ارزش خارجی پایین آمد. به ظاهر قران همان قران سابق بود اما قدرت خرید خود را از دست داده بود. پول‌های طلاىی که در دست و پای مردم بود، جمع شد و نقره که داشت خاصیت کمیابی خود را از دست می‌داد، پایه منحصراً پول ایران شد.<sup>۱</sup>

چنانکه مشاهده می‌شود، در این دوره دگراندیشان از قدرت معادن طلا و نقره امریکا و تأثیر آنها بر بی‌ارزش کردن پول ایران و سایر کشورها به‌خوبی آگاه بودند و برای جلوگیری از این امر راهکارهایی می‌دادند. برای نمونه، حسینقلی خان صدرالسلطنه، نخستین سفیر ایران که به امریکا رفته بود، منشأ پایین بودن ارزش مسکوکات و همه بدبختی‌های ایرانیان را در خرابی اوضاع تجاری و مالی کشور می‌داند. او در گزارشی به وزارت خارجه می‌نویسد: «از زراعت رعیت بیچاره چقدر می‌توان برداشت. تجار ما تماماً دست از تجارت کشیده، تاجر حسابی نداریم. مال‌التجاره داریم اما نمی‌دانیم که باب هر مملکتی چیست و چطور باید آن را عملی کرد.» وی راهکار حل این مسئله را باز کردن راه تجارت با امریکا می‌داند: «آن وقت تماشا کنید که از طلاى ینگی دنیا تپه‌ها در ایران ساخته می‌شود یا خیر!» حسینقلی خان از دولتمردان ایران می‌خواهد میان بنادر عباس، بوشهر، محمره و غیره با بندر نیویورک ارتباطی برقرار کنند «تا بلکه مردم از قید تنگدستی خلاص شوند و با تجارت امتعه و اقمشه و مصنوعات یدکی پیشرفت کند.»<sup>۲</sup> بنابراین، رفع تنگدستی و فقر ایرانیان در گرو برقراری مناسبات تجاری با کشورهای پیشرفته به‌ویژه امریکا تشخیص داده می‌شد.

همچنین در این دوره دگراندیشان عایدات چشمگیر امریکا از طریق معادن طلا و نقره را با ذکر جزئیات در اختیار مقامات دولتی قرار می‌دادند.<sup>۳</sup> علایی در گزارشی به وزارت خارجه، ضمن اشاره به منابع و ثروت امریکا، به مسئولان ایران گوشزد می‌کند که چون امروزه قدرت حقیقی ملت‌ها به داشتن معادن است، دولت و ملت ایران باید سعی کنند این «قوای مخزونه را به کار اندازند و اگر ممکن باشد و مسکنت زور نیاورد این مواد گرانبها را که جواهرات نفیسه قابل تزاید هستند به رایگان از دست ندهند.»<sup>۴</sup>

۱. عبدالله مستوفی، شرح حال زندگانی من، ج ۲ (تهران: زوار، ۱۳۶۰)، ص ۳۹۷.

۲. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، سند ۲۹۵/۷۹۷۰.

۳. اطلاع، ش ۱۷۱ (۱۳۰۴ ق)، ص ۴. درخصوص جزئیات میزان عایدات امریکا از استخراج معادن طلا و نقره بنگرید به: چهره‌نما، ش ۱۲ (۱۳۲۴ ق)، ص ۱۱.

۴. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، س ۱۳۰۱، کاترتن ۲۳، پوشه ۱، سند ۲۷.

لازم به ذکر است تقریباً سه دهه قبل از انتقاد علایی به وضعیت معادن ایران، جراید به این مسئله واکنش نشان داده بودند. برای نمونه روزنامهٔ چهره‌نما در شمارهٔ ۱۲ خود، سال ۱۳۲۴ق، با ابراز تأسف می‌نویسد: «درآمدهای معادن امریکا در حالی است که معادن خدادادی ما در شکم خاک مدفون چهل و نادانی ما می‌باشد!»<sup>۱</sup> چهره‌نما، با اشاره به عایدات منابع آهن و مس امریکا، با طعنه می‌گوید: «اما از عایدی معادن ایران آنچه عاید شده است، صفر بود. مختصراً عواید معادن خلیج فارس را عموماً و عواید معادن هرمز را خصوصاً از جناب حاج آقا محمد معین‌التجار بوشهر مقیم طهران و کیل ملت فلک‌زدهٔ ایران پرسید که یا کلون اموال الناس بالباطل.»<sup>۲</sup> و در جایی دیگر نیز می‌نویسد: «روزی می‌رسد که اسم ایران در لیست مستخرجان طلا باشد؟ اما که خارج کند؟!»<sup>۳</sup> علاوه بر این، باید به انتقاد صریح طالبوف اشاره کرد. وی در کتاب احمد می‌نویسد با آنکه ایران سنگ‌های قیمتی به اندازهٔ کافی دارد، اما طلا و نقره مورد لزوم را از کشورهای دیگر وارد می‌کند: «تا وقتی که معادل مس و آهن آن محک آزمایش نخورده باشد، اولی را به صورت اوراق و ثانوی را به شکل میله خریداری می‌کنند.»<sup>۴</sup> این قبیل گزارش‌ها بدون شک اهمیت و ضرورت تجارت مستقیم با امریکا را به مقامات دولت ایران گوشزد می‌کند.

چنانکه ملاحظه می‌شود، اخبار و روایت‌های مربوط به معادن امریکا و به‌ویژه معادن طلای آن کشور منجر به بروز واکنش‌های انتقادی به حکومت قاجاریه شد که به‌رغم معادن فراوان کشور، هیچ برنامه و اراده‌ای برای بهره‌برداری از آنها نداشت. در حقیقت در این دوره بسیاری از سیاستمداران و متجددین قدرت حقیقی ملت‌ها را به داشتن اقتصاد قوی می‌دانستند و به همین دلیل سعی می‌کردند توجه همگان را به این مهم سوق دهند و در جهت توسعه و گسترش مناسبات تجاری میان ایران و امریکا به‌عنوان یکی از قدرتمندترین کشورها از نظر اقتصادی گام بردارند.

### پیامدهای جنگ جهانی اول بر اقتصاد امریکا و تأثیر آن بر مبادلات تجاری ایران با این کشور

به دلیل اهمیت تأثیر جنگ جهانی اول بر تبادلات تجاری امریکا با ممالک مختلف، از جمله ایران، این موضوع را در دو قسمت شامل مناسبات تجاری ایران و امریکا در قبل و بعد از جنگ جهانی اول بررسی می‌کنیم.

در ابتدا بهتر است، در اشاره‌ای گذرا، به موقعیت تجارت امریکا در سال‌های قبل از جنگ نگاهی

۱. چهره‌نما، س ۲، ش ۱۲ (۱۳۲۴ق)، ص ۱۱.

۲. همان، س ۵، ش ۱ (۱۳۲۶ق)، ص ۱۲.

۳. همان، س ۷، ش ۱۵ (۱۳۲۸ق)، ص ۹.

۴. عبدالرحیم طالبوف، کتاب احمد، با مقدمه و حواشی باقر مؤمنی (تهران: شبگیر، ۱۳۵۶)، ص ۲۰۸.



افکنیم. میرزا اسحق خان مفخم‌الدوله، سفیر وقت ایران در واشنگتن، در ۴ رمضان ۱۳۲۰ ق در گزارشی در خصوص رشد و توسعه امریکا می‌نویسد: «این مملکت به نوعی پیش می‌رود که تمام کشورهای اروپایی از آن نگران شده‌اند و علمای عصر معتقدند که ممالک فرنگ باید متحد شوند و برای متوقف کردن نفوذ و اقتدار امریکا فکری کنند و گرنه این کشور اقتصاد همه آنان را تضعیف خواهد کرد.» علاوه بر این، باید یادآور شد در این زمان کشورهای اروپایی، به‌ویژه آلمان و انگلیس، با هدف حمایت از تولیدات داخلی در صدد محدود کردن نفوذ روزافزون تجارت امریکا در اروپا بودند و با بستن تعرفه‌های سنگین گمرکی بر اجناس امریکایی می‌کوشیدند از ورود کالاهای این کشور به کشورهايشان جلوگیری کنند. بنابراین، امریکایی‌ها در جست‌وجوی یافتن بازار فروش‌های جدید متوجه کشورهای آسیایی و آفریقایی شدند و حتی برای نفوذ در «حبشه» هم تلاش کردند.<sup>۱</sup> از گزارش‌های مفخم‌الدوله چنین پیداست که ممالک فرنگ، در نهایت، چاره کار را در نزدیکی به امریکا دیدند و مناسبات اقتصادی خود را با این کشور بهبود و گسترش دادند و یکی پس از دیگری سفارت خود را به «سطح کبری» ارتقا دادند.<sup>۲</sup> بنابراین، اقتصاد و تجارت امریکا تا قبل از آغاز جنگ روندی صعودی می‌پیمود و ممالک غربی هم اندیشه رقابت با امریکا و مقاومت در برابر نفوذ اقتصادی آن را کنار گذاشته بودند.

با آغاز جنگ جهانی اول بسیاری از قدرت‌های بزرگ تحت تأثیر عوارض نامطلوب آن قرار گرفتند. این امر به‌ویژه در کشورهای اروپایی که مستقیماً درگیر جنگ بودند، شدت بیشتری داشت. امریکا هم اگرچه دیر وارد این جنگ شد، پیامدهای نامطلوب آن تا سال‌ها بعد بر این کشور تأثیر گذاشت. مثلاً مخارج دولت امریکا در سال ۱۹۱۴ م/ ۱۳۳۲ ق روزی ۲ میلیون دلار بود. این رقم در سال ۱۹۲۰ م/ ۱۳۳۹ ق به روزی ۱۵ میلیون دلار رسید. اثرات جنگ سرمایه‌داران امریکایی را به احتکار تشویق کرد. از طرف دیگر دولت مجبور به ایجاد مالیات‌های تازه شد که زندگی را برای مردم غیرقابل تحمل ساخت. سفیر ایران در واشنگتن درباره حل این معضل می‌نویسد: «چاره‌ای که برای اصلاح این اوضاع تصور کرده‌اند صرف بعضی مالیات‌ها و تحدید منافع سرمایه‌داران است اما چاره اصلی و قطعی این است که صادرات به کشورهای دیگر را کم کنند.»<sup>۳</sup> صادرات عمده امریکا به خارج از کشور را اقلام خوراکی تشکیل می‌داد و به گفته سفیر ایران، این وضع زندگی را برای مردم آن کشور دشوار کرده بود.<sup>۴</sup> بنابراین، باید اذعان کرد

۱. علی موجانی، *گزیده اسناد روابط ایران و امریکا* (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵)، ص ۱۰۲.

۲. *مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران*، س ۱۳۲۱ ق، کارتن ۱۱، پوشه ۵، سند ۱۱۶.

۳. همان، س ۱۳۲۰ ق، کارتن ۱۰، پوشه ۳، سند ۴۱. مسیو آنفونسورتیو (ویس کنسول فیلادلفیا) به دلیل تلاش‌های اسحاق مفخم‌الدوله در زمینه تجارت

ایران و امریکا، او را به قنصل ژنرال فیلادلفیا و پانسیلوانی مفتخر کرد. بنگرید به: همان، س ۱۳۲۰ ق، کارتن ۵، پوشه ۱۹، سند ۵.

۴. همان، س ۱۳۳۹ ق، کارتن ۲۲، پوشه ۱، سند ۳۱۳-۳۱۵.

۵. همان، س ۱۳۰۲ ق، کارتن ۲۳، پوشه ۷، سند ۱۱، ۱۲.

که آغاز جنگ جهانی اول برای امریکا پیامدهای نامطلوبی داشت. چنانکه موجب برخی تغییرات مهم در تجارت خارجی این کشور شد.

ذکر این نکته ضروری است که اگرچه طی سال‌های جنگ جهانی اول حکومت امریکا قوانین سختگیرانه‌ای را برای تجارت برقرار کرد، سال‌های پس از جنگ نشان داد این سیاست‌ها نه به خاطر ضعیف شدن بنیة اقتصادی و مالی، بلکه صرفاً احتیاطی بوده است. شکوفایی تجارت امریکا در سال‌های پس از جنگ را می‌توان از مقایسه‌ای فهمید که سلطان محمود عامری، نماینده ایران در واشنگتن، میان تجارت این کشور با تجارت ۱۰ کشور بزرگ اروپایی انجام داده است. بر این اساس، از محاسبه مجموع کل صادرات ۱۰ مملکت بزرگ تجارتي دنیا مانند انگلستان، فرانسه، بلژیک، هلند، سوئیس، کانادا، هندوستان، ژاپن و نیوزیلند در سال ۱۹۲۲-۱۹۲۳م / ۱۳۴۰-۱۳۴۱ق و مقایسه آن با مجموع تجارت این ۱۰ کشور در سال ۱۹۱۳م / ۱۳۳۱ق روشن می‌شود که تجارت این کشورها در طی این سال‌ها تنها ۲۶ صدم درصد رشد داشته است. حال آنکه از مقایسه تجارت امریکا در سال‌های ذکر شده روشن می‌شود که این کشور ۵۹/۳ درصد ترقی کرده است.<sup>۱</sup>

تحول دیگری نیز در همین ایام روی داد و آن عزم امریکا برای تجارت مستقیم با شرق و از جمله ایران بود. در حقیقت تا مدت‌ها قبل از آغاز جنگ جهانی اول، امریکا مایحتاج خود را از انگلستان تأمین می‌کرد، اما بعد از جنگ جهانی اول این رویه را کاهش داد و تجار امریکایی بخش بزرگی از مواد اولیه مورد نیاز خود را از کشورهای آسیایی خریدند. مثلاً ابریشم را مستقیماً از چین و ژاپن و لاستیک و الیاف را از مستملکات آسیایی انگلیس و شکر را از کوبا خریداری کردند. بنابراین، با روی آوردن تجار امریکایی به آسیا، ایران خود به خود در معرض ارتباطات مستقیم بازرگانی با امریکا قرار گرفت و این امیدواری ایجاد شد که تجار ایرانی بتوانند به خوبی از این فرصت استفاده کنند. مثلاً یکی از مهم‌ترین اقلام وارداتی از آسیا ابریشم بود که تجار امریکایی در سال ۱۹۲۲م / ۱۳۴۰ق بالغ بر ۴۰ میلیون پوند از این محصول را از ژاپن و بالغ بر ۵۶ میلیون و ۶۰۹ هزار دلار را نیز از چین خریده بودند. بنابراین، ابراز امیدواری می‌شد در صورتی که تهیه ابریشم ایران تشویق و کاستی‌های آن رفع شود این محصول به یکی از منابع مهم عایدی ایران تبدیل گردد.<sup>۲</sup> چنین بود که کم‌کم تجارت با ایران نیز مورد توجه قرار گرفت.

درخصوص حجم مبادلات تجاری امریکا با ایران باید گفت در اوایل قرن بیستم میزان مبادلات این کشور نسبت به دیگر کشورها بسیار ناچیز بود. مثلاً در حالی که روسیه معادل ۱۶ میلیون و ۷۱۴ هزار

۱. همان، س ۱۳۰۲ش، کارتن ۳۶، پوشه ۱۶، سند ۲۴، ۲۵.

۲. همان، سند ۲۵-۲۸.



و ۷۱۶ دلار، انگلیس ۶ میلیون و ۹۳۸ هزار و ۹۱۰ دلار، هندوستان ۳ میلیون و ۵۸۶ هزار و ۳۷۲ دلار، فرانسه یک میلیون و ۶۸۲ هزار و ۴۱۸ دلار، اتریش-مجارستان یک میلیون و ۱۳۷ هزار و ۱۷۸ دلار، آلمان ۵۷۳ هزار و ۶۲۰ دلار، چین ۱۳۷ هزار و ۷۵۸ دلار کالا به ایران فروخته بودند، کمترین رقم به امریکا تعلق داشت که تنها ۲۲ هزار و ۶۱۸ دلار بود.<sup>۱</sup> جمالزاده در کتاب گنج شایگان دلیل پایین بودن مناسبات تجاری ایران و امریکا را این گونه بیان می کند: «اگرچه ایران با اغلب کشورها مناسبات تجاری داشته است اما می توان گفت که تجارت ایران در احتکار روس و انگلیس و منحصر به این دو دولت است و اگر تجارت ایران را به هشت قسمت نماییم قریب به هفت قسمتش با دو دولت مذکور است.» طبق آماري که جمالزاده به دست داده است، صادرات و واردات ایران به همه کشورهای در مجموع در سال ۲۰-۱۳۱۹ق، ۴۴۹ میلیون و ۱۷۴ هزار و ۹۷۳ قران بود و این رقم در سال ۲۹-۱۳۲۸ق به ۸۵۹ میلیون و ۹۳۴ هزار و ۵۳۴ قران رسید که از این مقدار سهم صادرات و واردات ایران به امریکا در این سالها نسبت به بقیه کشورهای بسیار رقم کمی بوده است. چنانکه در سال ۱۳۱۹-۱۳۲۰ق مجموع صادرات ایران به امریکا ۸۷۸ هزار و ۲۴۹ قران و مقدار واردات ایران از ایالات متحده ۵۰۹ هزار و ۳۹۲ قران بود و در سال ۱۳۲۸-۱۳۲۹ق مقدار صادرات ایران به امریکا بسیار افزایش یافت، اما مقدار واردات با کاهش چشمگیری روبه رو شد. مجموع صادرات ایران به امریکا در این سال ۵ میلیون و ۴۰ هزار و ۱۹۴ قران و مقدار واردات ۲۹۲ هزار و ۱۳۸ قران بود.<sup>۲</sup>

همچنین روزنامه کاهه میزان صادرات و واردات ایران با امریکا را در سالهای ۳۲-۱۳۳۱ق ۱۰ میلیون و ۴۳۶ هزار قران می داند که از این مقدار ۲۲۴ هزار قران مربوط به واردات بود و ۱۰ میلیون و ۲۱۰ قران به صادرات تعلق داشت که نسبت به سالهای قبل بسیار زیاد شده بود.<sup>۳</sup> در جدول ذیل میزان صادرات امریکا به ایران و واردات امریکا از ایران در چند سال قبل و بعد از جنگ جهانی اول:

#### جدول ۱. صادرات امریکا به ایران و واردات امریکا از ایران در سالهای قبل و بعد از جنگ جهانی اول

واردات امریکا از ایران			صادرات امریکا به ایران			سال (میلادی)	اعداد به هزار دلار
۱۹۲۲-۱۹۲۳	۱۹۲۱-۱۹۲۲	۱۹۱۰-۱۹۱۴	۱۹۲۲-۱۹۲۳	۱۹۲۱-۱۹۲۲	۱۹۱۰-۱۹۱۴		
۴۲۷۲	۳۱۴۰	۱۳۷۷	۶۰۷	۱۲۱۰	۱۳۲		

۱. جان ویشارد، بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا (تهران: نوین، ۱۳۶۳)، ص ۲۷۸.

۲. سید محمدعلی جمالزاده، گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران (بی جا: کاهه، بی تا)، ص ۹-۱۱.

۳. کاهه، ص ۳، ش ۲۵ (۱۳۳۶ق)، ص ۱۴.

چنانکه جدول فوق نشان می‌دهد، میزان صادرات ایران به آمریکا از ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۳م رشدی فوق‌العاده داشته است. این در حالی است که صادرات آمریکا به ایران پیشرفت قابل توجهی نداشته است. به نظر می‌رسد دلیل اصلی تفاوت میان صادرات و واردات آمریکا به ایران این بوده باشد که نرخ پول آمریکا در سال‌های بعد از جنگ ترقی کرد و نرخ پول ممالک اروپایی مخصوصاً آلمان پایین آمد. این امر توجه تجار ایرانی را به اروپا معطوف کرده بود. همچنین، به سبب بُعد مسافت، کالاهای آمریکا نسبت به کالاهای اروپایی دیرتر به ایران می‌رسید و هزینه‌بردارتر بود. نکته سوم اینکه به خاطر بالا بودن دستمزد کارگر<sup>۱</sup> در آمریکا، کالاهای این کشور عموماً نسبت به اجناس اروپایی گران‌تر تمام می‌شد، به‌ویژه آنکه آلمانی‌ها مقدار زیادی اجناس با کیفیت پایین‌تر می‌ساختند و آنها را به قیمت کم به فروش می‌رساندند و اغلب مردم غافل از اینکه جنس آنها پست و دوامشان کم است، تنها به ارزی امتعه نگاه می‌کردند و آنها را می‌خریدند و تجار ایرانی هم به این خاطر از خرید محصولات آمریکا تا اندازه‌ای منصرف شده بودند.<sup>۲</sup>

ذکر این نکته ضروری است که در اواخر دوره قاجاریه قسمت عمده واردات آمریکا از ایران شامل قالی<sup>۳</sup> و خشکبار و قسمت عمده صادرات آمریکا به ایران عبارت از لوله و ادوات ماشین‌های نفت بود.<sup>۴</sup> البته ایرانیان بعد از مشروطه کالاهای بسیار دیگری هم از آمریکا به ایران وارد کردند که از جمله آنها می‌توان به تسلیحات نظامی<sup>۵</sup>، ابزار کشاورزی<sup>۶</sup> و حتی دستاوردهای آمریکا در صنعت دریایی<sup>۷</sup> و زمینی اشاره کرد. به هر روی باید اذعان داشت که نمایندگان سیاسی ایران در این دوره با ارسال گزارش‌های متعدد از پیامدهای جنگ جهانی اول بر اقتصاد آمریکا، نقش مهمی در آگاهی مقامات دولتی ایفا کردند و همان‌گونه که مشاهده شد، اگرچه در این دوره حجم مبادلات تجاری آمریکا با ایران نسبت به دیگر کشورها بسیار ناچیز بود، دیپلمات‌ها و دیگر ترقی‌خواهان برای گسترش روابط با آمریکا تلاش بسیاری کردند و تأثیر مهمی بر روند افزایش مناسبات اقتصادی ایران و آمریکا داشتند.

۱. در آمریکا نسبت به دیگر کشورهای جهان بیشترین حقوق و مزایا برای کارگران در نظر گرفته می‌شد (وقایع اتفاقیه، ش ۱۵۱ (۱۳۷۹ق)، ص ۹۵۶). چند دهه بعد چهرنما می‌نویسد: «در حالی که در انگلیس اجرت هفتگی بنا و نجار ۱۰ تومان و نقاش و آهنگر هشت تومان است، در آمریکا سه برابر این مقدار پرداخت می‌شود.» (چهرنما، ص ۸، ش ۹ (۱۳۲۹ق)، ص ۹). ملاحظه می‌شود حقوق بنا، نجار و آهنگر در یک فاصله ۶۰ ساله تقریباً ۱۰ برابر شده است. طبیعتاً چنین امری ایرانیان را به تأمل واداشته بود!

۲. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، س ۱۳۰۲، کارت ۳۶، پوشه ۱۶، سند ۲۸، ۲۹.

۳. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: فرشته جهانی، «صادرات فرش ایران به آمریکا در دوره قاجاریه: زمینه‌ها و چالش‌ها»، تاریخ و تمدن اسلامی، س ۱۸، ش ۳۸ (بهار ۱۴۰۱)، ص ۴۹-۷۰.

۴. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، س ۱۳۰۲، کارت ۳۶، پوشه ۱۶، سند ۲۸، ۲۹.

۵. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: فرشته جهانی، «نخستین شناخت ایرانیان از تسلیحات نظامی آمریکا در دوره قاجاریه»، مطالعات تاریخی جنگ، دوره پنجم، ش ۴، پیاپی ۱۸ (زمستان ۱۴۰۰)، ص ۷۵-۹۶.

۶. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: فرشته جهانی، علیرضا ملایی توانی، «آگاهی ایرانیان از اقتصاد کشاورزی آمریکا و الگوبرداری از آن».

۷. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: فرشته جهانی، «انعکاس دستاوردهای دریانوردی آمریکا در آرای ترقی‌خواهان عصر قاجار و تلاش برای ورود این صنعت به ایران»، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، س ۱۱، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۴۰۱)، ص ۲۹-۵۰.

## دلایل موفقیت و ترقی اداره مالیه آمریکا از نگاه ایرانیان دوره قاجار

بررسی نظام اقتصادی آمریکا بدون پرداختن به امور مالی و بودجه آن کشور ناقص خواهد بود. این در حالی است که اطلاعات زیادی برای پرداختن به این موضوع در دست نیست و منابع این دوره به صورت جسته و گریخته این موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند.

باید اذعان کرد مالیات یکی از ارکان اصلی اقتصاد آمریکا به شمار می‌رفت. براساس نوشته روزنامه وقایع اتفاقیه، در این کشور مالیات‌های مختلفی از مردم گرفته می‌شد، اما نکته مهم این بود که این مالیات‌ها به بهترین وجه ممکن و برای آبادانی و شکوه شهرهای آمریکا مصرف می‌شدند. برای نمونه در شهر سانفرانسیسکو نوعی مالیات به نام «خانه‌شماری» از تمام شهروندان گرفته می‌شد. میزان مالیات هر خانه وابسته به ارزش و قیمت آن خانه بود.<sup>۱</sup> در نتیجه اخذ مالیات‌های مختلف از مردم، عایدات مالیاتی چشمگیر بود. چنانکه در سال ۱۲۷۴ ق مالیات آمریکا نسبت به سال‌های گذشته ۲۲ میلیون ریال افزایش داشت. درخصوص چگونگی صرف این وجه اضافی اختلاف‌نظرهایی بروز کرد تا آنکه تصمیم بر آن شد که این وجه را در توسعه راه‌آهن و کشتی‌سازی صرف کنند و یا آن را در مقابل تخفیف رسومات گمرکی هزینه کنند.<sup>۲</sup> این رویه ادامه داشت، به طوری که چند دهه بعد درخصوص چگونگی استفاده از عواید اضافی نوعی سردرگمی به وجود آمد. در چنین شرایطی رئیس‌جمهور این کشور خطاب به مجلس نمایندگان و وزیرای دولت اظهار داشت که «عواید و درآمدهای مالیاتی دولت به درجه‌ای رسیده که بخش قابل توجهی از آن از مصارف و مخارج مقرر دولتی بیشتر است و دولت متحیر است که با این وجوه اضافی چه کند و به چه مصرفی برساند و از آنجا که آمریکا با کشورهای جهان در صلح و آشتی است و هیچ نگرانی از تهدید خارجی ندارد، رأی و عقیده رئیس‌جمهور بر آن قرار گرفت که در مالیات و خراج دیوانی مردم آن مملکت تخفیفی اعمال شود.»<sup>۳</sup> بنابراین، نشریات این دوره پرداخت مالیات را از مهم‌ترین عوامل رونق اقتصادی، تحقق عدالت اجتماعی، افزایش خدمات، عمران، آبادانی و به‌طور کلی رشد و توسعه جامعه آمریکا می‌دانستند و بر این باور بودند که دلیل اصلی توسعه سریع شهرهای این کشور همین عامل است که باید در ایران هم مورد توجه قرار گیرد.

ناگفته نماند که تأسیس اداره بودجه در آمریکا بسیار دیر هنگام (۱۳۰۰ ش/ ۱۹۲۱ م) تحقق پذیرفت. در این سال اداره‌ای با عنوان اداره بودجه تحت سرپرستی ژنرال لارد<sup>۴</sup> تأسیس شد. این اداره در حقیقت مستقل

۱. وقایع اتفاقیه، ش ۱۵۱ (۱۲۷۰ ق)، ص ۹۵۶.

۲. همان، ش ۳۴۵ (۱۲۷۴ ق)، ص ۲۲۸۴.

۳. همان، ش ۲۲۶ (۱۳۰۶ ق)، ص ۴.

بود و زیر نظر رئیس‌جمهور مدیریت می‌شد. وی هر سال رئوس مسائل را توضیح می‌داد و اهمیت بودجه و اقدامات دولت را در صرفه‌جویی تشریح می‌کرد.<sup>۱</sup> حسین علایی درخصوص عایدات مالی امریکا و اقدامات رئیس‌جمهور و رئیس‌اداره بودجه این کشور برای جبران کسری بودجه مطالب مهمی به صورت کتابچه به ایران می‌فرستاد. این کتابچه‌ها حاوی سخنرانی رئیس‌جمهور و رئیس‌اداره بودجه امریکا بود.<sup>۲</sup> این قبیل کتابچه‌ها با اقبال و تحسین وزارت خارجه و مالیه ایران مواجه شدند و آگاهی‌های بسیار خوبی در مورد امور مالی امریکا از این طریق کسب شد.

لازم به ذکر است اداره بودجه در زمانی تأسیس شد که پیامدهای نامطلوب جنگ جهانی اول بر اقتصاد امریکا هنوز وجود داشت، اما مدیران لایق و توانای این کشور، به‌ویژه در بخش اقتصادی و مالی، نقش عمده‌ای در تسریع بحران‌زدایی از اقتصاد ایفا کردند. برای اینکه به نقش بی‌بدیل مدیران مالی پی ببریم کافی است به مقدار صرفه‌جویی در بودجه ۱۹۲۲-۱۹۲۳ م/ ۱۳۴۰-۱۳۴۱ ق این کشور توجه کنیم. در واقع دولت امریکا نه تنها توانسته بود در بودجه سال ۱۹۲۲ م/ ۱۳۴۰ ق خود یک میلیارد و نیم صرفه‌جویی کند، بلکه حتی موفق شده بود از بودجه این سال نیم میلیارد دلار برای سال آینده کنار بگذارد و نتیجه این شود که بودجه سال ۱۹۲۳ م/ ۱۳۴۳ ق دو میلیارد کمتر از بودجه سال ۱۹۲۱ م/ ۱۳۴۱ ق باشد. وارن گامالیل هاردینگ<sup>۳</sup>، رئیس‌جمهور امریکا، مدیر بودجه این کشور، ژنرال درز، را عامل این موفقیت دانسته بود. ژنرال درز درخصوص حدود اختیاراتش گفته بود:

من حق صدور کوچک‌ترین حکم را ندارم. یک حواله بی‌اهمیت را نمی‌توانم امضا کنم. من فقط می‌توانم از کلیه مخارج کشور بااطلاع باشم و این امکان برایم فراهم است که هر یک از وزرا یا مدیران مهم ادارات را به اطاق خود فراخوانم و آنها را بازخواست کنم. آن وقت با کمال بی‌طرفی با نهایت عدل و انصاف و اعتدال مسائل را به‌دقت مطالعه کرده و نتیجه را به رئیس‌جمهور اطلاع می‌دهم که فلان مخارج ضروری است یا فلان خرج لزوم ندارد و اضافی است و این باعث شد در ظرف یک ماه، ۱۱۰ میلیون دلار صرفه‌جویی کنیم! اشخاصی را که استخدام می‌کنیم باید همیشه لایق و کاردان باشند و همه باید با حداقل مقرری خرسند باشند. پارلمان امریکا یک اعتبار سالیانه به مبلغ ۲۲۵ هزار دلار برای من و افرادم تخصیص داد. من به پارلمان اطلاع دادم که ربع این اعتبار اضافی است و با توجه به حجم بالای کارها و کمبود نیرو این اقدام باعث شد مدیران تحت فرمانم در انتخاب افراد خود دقت زیادی کنند و اشخاص لایق و کاری انتخاب

۱. مرد آزاد، س ۱، ش ۱۳۳ (۱۳۴۲ ق)، ص ۲.

۲. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، س ۱۳۰۲، کارت ۲۳، پوشه ۷، ص ۸، ۹.

۳. Warren G. Harding، بیست‌ونهمین رئیس‌جمهور ایالات متحده امریکا از حزب جمهوری‌خواه که از ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۳ م در این سمت بود.

کنند. ثانیاً یکایک آنان مجبور بودند که در خرید لوازم اداری و غیره نهایت صرفه‌جویی را رعایت کنند، زیرا اگر قیمت آنها زیاد می‌شد مطابق بودجه باید از حقوق اعضا کسر می‌شد!

نشریهٔ *مرد آزاد* تحت تأثیر این اظهارات قابل تقدیر می‌نویسد: «اگر در ایران هم به جای فکرهای کهنه، قوای جوان امور را مدیریت می‌کردند روزگار مردم تا این حد خراب و پرنکبت نمی‌شد.» *مرد آزاد* در ادامه می‌افزاید: «لیاقت و کاردانی، معلومات جدیدی که به درد تجدد ایران بخورد، ارادهٔ قوی و عزم شرافت دوست، صحت عمل و فعالیت از جمله مشخصه‌هایی است که مدیران و مأمورین دولتی باید از آن برخوردار باشند» و ابراز تأسف می‌نماید که امروزه مملکت ما اعتقادی به این ملاک و معیارها ندارد.<sup>۲</sup> بدین ترتیب، روشنفکران این دوره راز موفقیت و ترقی ادارهٔ مالی آمریکا را در محدود بودن اختیارات و پاسخ‌گو بودن مدیران آمریکایی در برابر قانون می‌دانستند. آنان کاردانی و تخصص را از دیگر عوامل موفقیت آمریکایی‌ها در محیط کاری ذکر می‌کردند. ناگفته نماند در این دوره آگاهی ایرانیان از تأثیر مالیات بر توسعه و ترقی آمریکا و انتشار اقدامات و سخنرانی‌های رئیس ادارهٔ بودجهٔ آمریکا، به صورت کتابچه، موجب همکاری بیشتر ایران با آمریکا در زمینهٔ تبادلات مالی شد.

### تبادل اطلاعات مالی میان ایران و آمریکا

آگاهی ایرانیان از نظام مالی پیشرفتهٔ آمریکا به‌تدریج راه را برای برقراری مناسبات مالی با این کشور هموار کرد. به نظر می‌رسد ضرب سکه و مسکوکات در یک کشور امری داخلی است و به دیگر کشورها ارتباطی ندارد، اما به‌واسطهٔ تجارت و مبادلات تجاری و بازرگانی این امر درست نیست و سکه و مسکوکات اهمیتی بین‌المللی دارند. بر این اساس جای تعجب ندارد که در سال ۱۳۱۸ ق دولت آمریکا از ایران بخواهد دربارهٔ ضرب سکه و ارزش مسکوکات ایران اطلاعاتی بدهد. نصرالله مشیرالدوله در این باره می‌نویسد که دولت آمریکا در سه سال گذشته اطلاعاتی در خصوص مسکوکات کشورهای جهان و مسکوکات دول در واشنگتن منتشر کرده است و از همه جا اطلاعات مفیدی به آنجا فرستاده می‌شود و سفارت آمریکا در تهران از وزارت خارجه خواسته است دربارهٔ مقدار پول نقره‌ای که از شمش نقره سکه شده، مقدار پول نقره که از قران کهنه سکه شده و مقدار پول طلایی که از مسکوکات خارجه و غیره سکه شده است اطلاعاتی بدهد تا به دولت آمریکا ارسال شود.<sup>۳</sup>

این روند در سال‌های بعد هم ادامه داشت. چنانکه در سال ۱۳۲۶ ق / ۱۹۰۷ م ادارهٔ خزانهٔ سفارت آمریکا در نامه‌ای از ایران درخواست کرد فهرستی از مسکوکات طلا و نقره و قیمت آنها را در طی یک سال

۱. *مرد آزاد*، ش ۸ (۱۳۴۱ ق)، ص ۱، ۲.

۲. همان.

۳. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجهٔ ایران، س ۱۳۱۸ ق، کارتن ۱۸، پوشهٔ ۹، سند ۱.

به امریکا بدهد.<sup>۱</sup> چند سال بعد، یعنی در ۸ شوال ۱۳۳۸ق/ ۱۳ اکتبر ۱۹۱۰، رئیس ضرابخانه امریکا، ژورژ آی رابرتس، در نامه‌ای به علیقلی خان شارژدافر ایران می‌خواهد که از دولت ایران توضیحات کاملی درخصوص ترتیب ضرابخانه ایران درخواست کند. او در این گزارش می‌نویسد: «... اگر شما بتوانید به این اداره یک نسخه از قانون و یا منشور ایران که در آن قیمت واحد پول ایران شرح شده باشد، بدهید و یا آنکه ما را مستحضر دارید که دولت ایران درخصوص نگاه داشتن ارزش مسکوک نقره خود در یک طبقه و نسبت ثابتی به طلا چه طریقه‌ای اتخاذ کرده است ممنون خواهیم شد...»<sup>۲</sup> ظاهراً وزارت امور خارجه از وزارت مالیه می‌خواهد به این درخواست ترتیب اثر دهد. اما وزارت مالیه در پاسخی که به وزارت خارجه می‌نویسد با بدبینی اظهار می‌دارد که اولاً معلوم نیست مقصود امریکایی‌ها از فرستادن این کتابچه و نوشتن این سؤالات در این موقع چیست و درخواست آنان چه ضرورتی دارد. ثانیاً با توجه به وضعیت فعلی مملکت که «اساس امور دوایر هنوز در تحت قواعد کلیه نیامده است،» چاره‌ای نیست جز آنکه وزارت خارجه به گونه‌ای از اجابت تقاضای آنها خودداری نماید. البته اسماعیل ثقت‌الملک از جمله افرادی بود که به وزارت مالیه نوشت: «دایره خزانه دولتی و واشنگتن راجع به مسکوکات ایران هیچ قصد پلتیکی ندارد و دولت اتازونی دفتر استاتیکی دارد که در اغلب به دول راجع به مسکوکات آنها سؤالات نمود و در آنجا ثبت می‌نماید.»<sup>۳</sup> از اینکه بالاخره وزارت خارجه چه پاسخی به رئیس ضرابخانه امریکا می‌دهد اطلاعی در دست نیست. اما طبیعتاً به دنبال پاسخ صریح وزارت مالیه مبنی بر غیرممکن بودن اجابت این درخواست، وزارت خارجه نیز به نحوی از این امر سر باز زده است. در عوض، اسماعیل ثقت‌الملک برای اثبات حسن نیت ایران به حفظ و گسترش ارتباط با امریکا در نامه‌ای به سفارت آن کشور وعده می‌دهد از اجناس و کالاهای امریکایی کمترین میزان حقوق گمرکی گرفته شود.<sup>۴</sup> احتمالاً در واکنش به این تعهد است که رئیس‌جمهور امریکا نیز تعرفه‌های گمرکی کالاهای وارده از ایران یا صادره به ایران را کاهش می‌دهد و همچنین برای کالاهای صادراتی ایران به امریکا پایین‌ترین تعرفه گمرکی را در نظر می‌گیرد.<sup>۵</sup> مقامات امریکایی همچنان از دولت ایران تقاضاهایی مشابه می‌کردند. امیر تومان مهدی‌خان قراگوزلو، وزیر مختار ایران در واشنگتن، در نامه‌ای به وزارت خارجه در سال ۱۳۳۵ق درخصوص موزه تجارتي فیلادلفیا می‌نویسد که یک کتابخانه مخصوص در باب مالیه تشکیل داده‌اند و نظر به اینکه مسئولین این موزه غالباً از تجار و صرافان معتبر امریکا هستند، در نظر دارند در این کتابخانه مجلات مربوط به مالیات

۱. همان، س ۱۳۲۶ق، کارتن ۳۷، پوشه ۴، سند ۳۳.

۲. همان، س ۱۳۲۸ق، کارتن ۲۰، پوشه ۱، سند ۵۰.

۳. همان، س ۱۳۲۸ق، کارتن ۳۴، پوشه ۶، سند ۳۱.

۴. همان، س ۱۳۲۸ق، کارتن ۳۴، پوشه ۴، سند ۳۹.

۵. همان، س ۱۳۲۸ق، کارتن ۱۰، پوشه ۳، سند ۴-۶.



و تجارت دولت‌های بزرگ را قرار دهند. بر این اساس از سفارت ایران در واشنگتن درخواست همکاری کردند.<sup>۱</sup> در موردی دیگر، وزیر مالیه آمریکا از ایران تقاضا کرده بود که گزارش‌های وزارتخانه‌های داخله، جنگ، معارف، مالیه، فواید عامه، پست و تلگراف و همچنین بودجه اخیر دولتی و یک جلد از کتاب آبی ایران و فهرست مجلات دولتی قابل فروش را برای آنها ارسال دارد.<sup>۲</sup> وزارت مالیه در پاسخ به این درخواست نسخه‌ای از مجلات وزارتخانه‌های ایران را برای آنان فرستاد.<sup>۳</sup> اما درخصوص دیگر درخواست‌های آنان اطلاعی در دست نیست. به نظر می‌رسد ایرانیان در بسیاری از موارد درخصوص تبادل اطلاعات مالی با آمریکا همکاری می‌کردند و اطلاعاتی را از سیستم مالی خود در اختیار این کشور قرار می‌دادند. بی‌شک یکی از دلایل این اقدام، اعتماد ایرانیان به آمریکا به‌عنوان کشوری صلح‌طلب بود. مناسبات مالی ایران و آمریکا به موارد بالا ختم نمی‌شود. مقامات دولتی ایران تصمیم می‌گیرند مستشار مالی از این کشور استخدام کنند، چرا که در این دوره آمریکا در علم مالیه پیشرفته‌ترین دولت دنیا به شمار می‌رفت. بنا به نوشته روزنامه *ایران نو* آمریکا «از مداخلات غاصبانه و اجحافات وحشیانه به دور است و بنابراین هیچ زبانی از بابت استخدام مستشار مالی امریکایی قابل تصور نیست.»<sup>۴</sup> از طرف دیگر تصور می‌شد با سرمایه‌گذاران امریکایی می‌توان به‌خوبی وارد معامله شد و در صورت لزوم به‌آسانی و اطمینان از آنان وام گرفت. بنابراین، یک هیئت مالی امریکایی می‌توانست به‌عنوان رابط اقتصادی و مالی بین دو کشور خدمت کند. به این دلایل در سال ۱۳۲۹ ق دولت وقت ایران مصمم به استخدام مورگان شوستر امریکایی شد.<sup>۵</sup> ذکر این نکته ضروری است که در این دوره بسیاری از متجددین و روشنفکران به این نتیجه رسیده بودند که مستخدمین امریکایی می‌توانند خدمات عظیمی در ایران انجام دهند.<sup>۶</sup> بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت ایرانیان چون آگاهی نسبتاً کاملی از وضعیت مالیه آمریکا داشتند، اقدام به استخدام مستشار از این کشور نمودند. آنان از این اقدام چند هدف را دنبال می‌کردند. نخست بر این باور بودند که چنانچه مستشاران مالی باشرف و آگاه به مسائل مالیه وارد ایران شوند، همسایگان ایران از زورگویی و بی‌قاعدگی دست بر می‌دارند. دیگر اینکه سخنان آنان در حق ایران و ایرانیان در تمام اروپا و آمریکا تأثیرگذار خواهد بود و در آخر آنان برای جذب سرمایه‌داران امریکایی به سرمایه‌گذاری در ایران، نهایت تلاش خود را خواهند کرد.

۱. همان، س ۱۳۳۵ ق، کارتن ۲۲، پوشه ۱، سند ۳۰.

۲. همان، س ۱۳۳۷ ق، کارتن ۱۰، پوشه ۹، سند ۸.

۳. همان، سند ۱۳.

۴. *ایران نو*، ش ۵ (۱۳۲۹ ق)، ص ۱.

۵. مرکز اسناد و تاریخ و دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، س ۱۳۲۸ ق، کارتن ۴۴، پوشه ۵، سند ۵۰.

۶. کاوه، س ۲، ش ۲۴ (۱۳۳۶ ق)، ص ۸.

## نتیجه‌گیری

از اواخر دوره ناصری و به دنبال وضعیت بحرانی اقتصاد ایران تلاش‌ها برای رهایی از خرابی اوضاع تجاری و مالی کشور آغاز شد. در این دوره بسیاری از روشنفکران و ترقی‌خواهان به معرفی اقتصاد امریکا به‌عنوان یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان پرداختند. آنان برای اثبات مدعای خود با جزئیات بسیار از پتانسیل بالای منابع زیرزمینی این کشور صحبت کردند. در حقیقت آنان به خوبی به این نکته پی برده بودند که یکی از دلایل کاهش ارزش پول ایران، فراوانی طلا و نقره امریکا در جهان است. در گام بعدی دگراندیشان به انتقاد از ناکارآمدی و جهل مقامات دولتی برای بهره‌داری از منابع معدنی ایران پرداختند و بر لزوم گسترش مناسبات تجاری و مالی با این کشور تأکید کردند.

در پژوهش حاضر مشخص گردید اقتصاد و تجارت امریکا تا قبل از آغاز جنگ جهانی اول روندی صعودی می‌پیمود و ممالک غربی همه در تلاش برای گسترش مناسبات خود با این کشور بودند. اما با آغاز جنگ جهانی اول مقامات امریکایی تغییرات مهمی در تجارت خارجی خود به وجود آوردند. البته این تغییرات به سبب ضعیف شدن بنیة اقتصادی و مالی نبود و صرفاً جنبه احتیاطی داشت. چنانکه از مقایسه تجارت امریکا در سال‌های پس از جنگ با تجارت ۱۰ کشور بزرگ اروپایی مشاهده می‌شود، بعد از جنگ تجارت امریکا رشد چشمگیری نسبت به دیگر کشورها داشت. در این دوره آنان برخلاف دوران جنگ جهانی اول به شرق بیشتر توجه کردند، به طوری که بخش بزرگی از مواد اولیه مورد نیاز خود را از کشورهای این منطقه تهیه می‌کردند. بنابراین، با روی آوردن تجار امریکایی به آسیا، ایران خود به خود در معرض ارتباطات مستقیم بازرگانی با امریکا قرار گرفت.

روشن گردید که حجم مبادلات تجاری امریکا با ایران در اوایل قرن بیستم نسبت به دیگر کشورها بسیار ناچیز بود. انحصار تجارت ایران در دست دو کشور روس و انگلیس از جمله دلایل اصلی این حجم پایین تجارت بود. با این حال تلاش‌های دیپلمات‌ها و دیگر ترقی‌خواهان این دوره در برخی مواقع موجب شد میزان صادرات ایران به امریکا رشد کند. اما از طرف دیگر صادرات امریکا به ایران به دلایلی همچون بُعد مسافت، پایین بودن نرخ پول ممالک اروپایی نسبت به امریکا و گران‌تر بودن کالاهای امریکایی نسبت به اروپا پیشرفت قابل توجهی نداشت. البته در این دوره ایرانیان از دستاوردهای امریکا در حوزه‌های اقتصادی و مالی بی‌بهره نبودند و کتابچه‌های گوناگونی در این حوزه به کشور وارد شد که سبب آگاهی‌های بسیاری در امور مالی شد.

همچنین مشخص شد، در بحث تبادل مالی، مقامات دولتی با امریکایی‌ها همکاری داشتند و در صورت عدم همکاری و غیرممکن بودن اجابت درخواست آنان برای اثبات حسن‌نیت خود به حفظ و گسترش

ارتباط با امریکا دست به اقداماتی چند از جمله کاهش تعرفه‌های گمرکی می‌زدند. به نظر می‌رسد یکی از دلایل این اقدام اعتماد آنها به امریکا به‌عنوان کشوری صلح‌طلب بوده باشد چرا که حتی در این دوره ایرانیان به دنبال آگاهی کامل از وضعیت مالی امریکا اقدام به استخدام مستشار مالی از این کشور کردند.

## کتابنامه

- جمال‌زاده، سید محمدعلی. *گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران*، بی‌جا: کاوه، بی‌تا.
- جهانی، فرشته. «نخستین شناخت ایرانیان از تسلیحات نظامی امریکا در دوره قاجاریه»، *مطالعات تاریخی جنگ*، دوره پنجم، ش ۴، پیاپی ۱۸، ۱۴۰۰، ص ۷۵-۹۶.
- جهانی، فرشته، ملایی توانی، علیرضا. «آگاهی ایرانیان از اقتصاد کشاورزی امریکا و الگوبرداری از آن»، *تاریخ ایران*، س ۱۴، ش ۱، ۱۴۰۰، ص ۱۰۱-۱۳۳.
- جهانی، فرشته. «انعکاس دستاوردهای دربانوردی امریکا در آرای ترقی‌خواهان عصر قاجار و تلاش برای ورود این صنعت به ایران»، *پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، س ۱۱، ش ۱، ۱۴۰۱، ص ۲۹-۵۰.
- جهانی، فرشته. «صادرات فرش ایران به امریکا در دوره قاجاریه: زمینه‌ها و چالش‌ها»، *تاریخ و تمدن اسلامی*، س ۱۸، ش ۳۸، ۱۴۰۱، ص ۴۹-۷۰.
- روزنامه اطلاع. س ۱۳۰۴ق، ۱۳۲۰ق.
- روزنامه ایران‌نو. س ۱۳۲۹ق.
- روزنامه تربیت. س ۱۳۲۳ق.
- روزنامه چهارنما. س ۱۳۲۴ق، ۱۳۲۶ق، ۱۳۲۸ق، ۱۳۲۹ق.
- روزنامه دولت علیه ایران. س ۱۲۸۰ق.
- روزنامه علمی. س ۱۲۴۸ق.
- روزنامه کاوه. س ۱۳۳۶ق.
- روزنامه مرد آزاد. س ۱۳۴۱ق، ۱۳۴۲ق.
- روزنامه وقایع اتفاقیه. س ۱۲۷۰ق، ۱۲۷۳ق، ۱۲۷۴ق، ۱۲۷۹ق، ۱۳۰۶ق،
- ژان داود، موسی. *نسخه خطی تاریخ جهان‌نما و جغرافی، ترجمه محمدحسین حسینی فراهانی*، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی. سند ۲۹۵/۷۹۷۰.
- شیرازی، میرزا صالح. *سفرنامه میرزا صالح شیرازی*، تهران: رورن، ۱۳۴۷.
- طالبوف، عبدالرحیم. *کتاب احمد*، با مقدمه و حواشی باقر مؤمنی، تهران: شبگیر، ۱۳۵۶.
- عبدالغفار، ابن‌المرحوم الفاضل‌التحریر علی‌محمد عبدالغفار. *اصول علم جغرافیای طبیعی و سیاسی*، طهران: بی‌نا، ۱۲۹۸ق.
- غلامی، شهرام. «تأثیر مسائل بین‌المللی بر نوسانات تولید و تجارت قالی ایران از جنگ جهانی یکم (۱۹۱۴) تا بحران اقتصادی ۱۹۳۰»، *پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، س ۱۰، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص ۱۴۳-۱۶۷.

فندیك، كرنيلیوس. كشف القناع عن احوال الاقالیم و البقاع فی الترجمة مرآة الوضیة فی الكره الارضیة، ترجمة فخرالدین بن ابی القاسم الغلیپاگانی، بمبئی: بی نا، چاپ سنگی، ۱۲۳۱ق.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران. سال ۱۳۱۸ق، کارت ۱۸، پوشه ۹، سند ۱؛ سال ۱۳۲۰ق، کارت ۵، پوشه ۱۹، سند ۵؛ سال ۱۳۲۰ق، کارت ۱۰، پوشه ۳، سند ۴۱؛ سال ۱۳۲۱ق، کارت ۱۱، پوشه ۵، سند ۱۱۶؛ سال ۱۳۲۶ق، کارت ۳۷، پوشه ۴، سند ۳۳؛ سال ۱۳۲۸ق، کارت ۱۰، پوشه ۳، سند ۴-۶؛ سال ۱۳۲۸ق، کارت ۲۰، پوشه ۱، سند ۴۹، ۵۰؛ سال ۱۳۲۸ق، کارت ۳۴، پوشه ۴، سند ۳۹؛ سال ۱۳۲۸ق، کارت ۳۴، پوشه ۶، سند ۳۱؛ سال ۱۳۲۸ق، کارت ۴۴، پوشه ۵، سند ۵۰؛ سال ۱۳۳۵ق، کارت ۲۲، پوشه ۱، سند ۳۰؛ سال ۱۳۳۷ق، کارت ۱۰، پوشه ۹، سند ۸، ۱۳؛ سال ۱۳۳۹ق، کارت ۲۲، پوشه ۱، سند ۳۱۳-۳۱۵؛ سال ۱۳۰۱ش، کارت ۲۳، پوشه ۱، سند ۲۷؛ سال ۱۳۰۲ش، کارت ۲۳، پوشه ۷، سند ۸-۱۲؛ سال ۱۳۰۲ش، کارت ۳۶، پوشه ۱۶، سند ۲۴-۲۹.

مستوفی، عبدالله. شرح حال زندگانی من، ج ۲، تهران: زوار، ۱۳۶۰.

معین السلطنه، حاج میرزا محمدعلی معین السلطنه. سفرنامه شیکاگو، به کوشش همایون شهیدی، تهران: علمی، ۱۳۶۳.

منصوربخت، قباد. ایران ناصری و ناکامی در توسعه صنعتی، تهران: انتشارات نگارستان اندیشه، ۱۳۹۸.

موجانی، علی. گزیده اسناد روابط ایران و امریکا، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.

ویشارد، جان. بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، تهران: نوین، ۱۳۶۳.

